



اساس سوسیالیسم
انسان است.

سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

انترناسیونال

هفتگی

بنیانگذار: منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-870 120 7768

۱۴۰

۱۳ دی ۱۳۸۱

۳ ژانویه ۲۰۰۳

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465
Fax: 0044-870-135-1338
markazi@ukonline.co.uk

در حاشیه دادگاه عباس عبدی

فاتح بهرامی

دادگاه عباس عبدی و اظهارات وی ضربه ای شدید به دو خردادبها و بویژه جنبه مشارکت وارد کرد و در میان آنها تشنیت و سردرگمی را افزایش داد. عبدی یکی از تئوریسین های جنبه مشارکت و از عناصر "تندرو" دو خرداد بود که بدلیل مطرح کردن بحث هائی مانند "خروج از حاکمیت" و "فرانوم" جایگاه ویژه ای در میان آنها داشت و حتی نقطه امید و اتکائی برای گروه های اپوزیسیون طرفدار رژیم مانند فدائی اکثریت و امثالهم بود. از آنجا که دو خردادبها در کشمکش با جناح راست نظرات عبدی را یک اهرم فشار تبلیغی موثر تلقی میکردند، اظهارات وی در دادگاه مبنی بر مردود دانستن طرحهای خروج از حاکمیت و فرانوم و اینکه در جریان "نظر سنجی" اشتباهاتی مرتکب شده که باید آنرا جبران کند، کل سران جنبه مشارکت و برخی دیگر از سران دو خردادی را نگران و دستپاچه کرد. هدف جناح راست هم از دستگیری عبدی و تبلیغات روی پرونده نظر سنجی اساسا فشار گذاشتن روی جنبه مشارکت و کل جناح دو خرداد بود.

گسترده‌گی عکس العمل عناصر دو خرداد در درون و بیرون حکومت و تفاوتها و تناقضات آنها حکایت از اهمیت ماجرای عبدی برای دو خردادبها و همچنین آشفتگی آنها داشت. در میان سران خود جنبه مشارکت بعضی گفتند که عبدی در دادگاه حالت عادی نداشته یعنی شکنجه شده، برخی دیگر گفتند شکنجه نشده است، گفتند دفاع عبدی تناقضی با دیدگاههای گذشته اش نداشت، دفاع وی صرفا حقوقی بود، مواضع او همان مواضع جنبه مشارکت است، گفتند حرفهای عبدی ربطی به جنبه مشارکت ندارد و غیره. کیهان ادعا کرد که یکی از مشارکتی ها در راهروهای مجلس گفته که عبدی با دادگاه تباری کرده و باید از جنبه مشارکت اجزاج شود. دو خردادبهای دیگری گفتند که عبدی یک سیاستمدار کار کشته است که با این سخنان خواسته فداکاری کند و جنبه مشارکت را از زیر فشار بیرون بیاورد، برخی اشاره کردند که سخنان عبدی با توافق جنبه مشارکت بوده است و غیره. این عکس العمل ها البته همگی مربوط به آن بخش از حرفهای عبدی است که در رد نظرات قبلی خودش دربارہ خروج از حاکمیت و فرانوم گفته بود و نه اشتباهاتی که گفته است در جریان نظرسنجی مرتکب شده، و قضاوت همه آنها نسبت به این "اشتباهات" به آینده موکل شده است که اطلاعات دقیقتر کسب کنند. و بالاخره برای اینکه جنبه مشارکت خود را از تک

توقف سنگسار یک قدم در پیشروی جنبش ماست!

مصاحبه با مینا احدی

درباره عقب نشینی رژیم از سنگسار



دفاعی وزارت امور خارجه آلمان به انتقادات من خبر دارند، همین ماه از ملاقاتی که در همین ماه دسامبر با چند نفر از مسئولین اتحادیه اروپا در بروکسل داشتم و استقبال رسمی و گرم آنها از هیئت ما و قول و قرارهایی که برای تحت فشار گذاشتن جمهوری اسلامی به ما دادند. همه اینها به همراه بن بست کامل رژیم اسلامی و مجموعه اعتراضات و مبارزات وسیع مردم در داخل ایران، بیشترین تاثیر را داشته است که اتحادیه اروپا موضع سختگیرانه تری اتخاذ کند و اکنون جمهوری اسلامی ایران در موقعیت ضعیفی که دارد، مجبور به عقب نشینی شده است.

هفتگی: اکنون بعد از سه سال فعالیت کمیته بین المللی علیه سنگسار و تلاشهای خود شما در راس آن، بویژه پس از عقب نشینی حکومت اسلامی، ارزیابی شما از جایگاه این کمیته چیست؟
مینا احدی: این کمیته اکنون یک نهاد شناخته شده و معتبر جهانی است. این به بین فعالیتهای گسترده و جهانی و انجام کارهای بزرگ تبلیغی و افشاگرانه و در عین حال به بین نقد اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی و همچنین نقد سیاست دولتهای غربی در مامشات با تروریسم اسلامی و مشخصا جمهوری اسلامی بوده است. ما در این کمیته به نقد مذهب اسلام و همه مذاهب پرداختیم، به اسلام و اسلام سیاسی اوانس نادیم و مستقیما با مردم تماس گرفتیم. و کوشیدیم تصویر غلطی را که مدیای غربی بنا به منافع دولتهای غربی در جامعه پراکنده میکنند، نقد کنیم و حقایق این جوامع را با مردم در میان بگذاریم. فعالیتهای ما با استقبال و احترام عمیقی در دنیا روبرو شده و هم اکنون کمیته ما یک مرکز مهم مورد مراجعه از سوی سازمانها و نهادها، از سوی نویسندگان و محققین و از

هفتگی: رسانه ها خبر از توقف سنگسار در جمهوری اسلامی داده اند. موضوع از چه قرار است، و بنظر شما نقش فعالیتهای کمیته بین المللی علیه سنگسار در این عقب نشینی جمهوری اسلامی چیست؟
مینا احدی: موضوع اینست که جمهوری اسلامی بالاخره در مقابل اعتراضات مردم در داخل و مجموعه اعتراضات بین المللی عقب نشسته و فعلا اجرای احکام سنگسار در ایران را متوقف کرده است. در بین آخوندها و مقامات جمهوری اسلامی البته بحث فراوانی در مورد نحوه عقب نشینی و پیدا کردن کلاه شرعی برای آن در جریان است. این هنوز اعلام رسمی لغو قانون سنگسار نیست و فعلا در حد عدم اجرای احکام سنگسار و یا توقف صدور احکام جدید سنگسار است.

توقف صدور احکام سنگسار و یا هر عقب نشینی دیگری از سوی جمهوری اسلامی در وهله اول به مبارزات مردم ایران و فعالیتهای گسترده جنبشی گره خورده است که به نقد صریح و بیرحمانه اسلام سیاسی و مذهب پرداخته و در جنبه های مختلف بر علیه جمهوری اسلامی مبارزه میکند. در مبارزه علیه سنگسار نیز جنبش کمونیست کارگری و حزب کمونیست کارگری در صف اول مبارزه ایستاده و به این معنی عقب نشینی رژیم اسلامی، دستاوردی برای این جنبش معین است.

تا آنجا که به نقش کمیته بین المللی علیه سنگسار بر میگردد، این تنها سازمان جهانی است که بطور ویژه بر علیه سنگسار مبارزه میکند. سابقه فعالیت ما بر علیه سنگسار و قوانین ضد انسانی اسلامی به زمان تصویب این قوانین بر میگردد. اما کمیته بین المللی علیه سنگسار سه سال قبل تشکیل شد و ما در طول این مدت مجموعه کارهای اجتماعی، بزرگ و موثر و جهانی سنگسار دعوت شد و پاسخ بسیار

آزادی، برابری، حکومت کارگری!





توقف سنگسار ...

سوی فعالین جنبش زنان و عفو بین الملل و یا سایر سازمانهای بین المللی است. ما فعالیتهای خودمان را ادامه خواهیم داد تا لغو کامل قوانین ضد انسانی قصاص اسلامی، تا لغو قطعی و کامل مجازات سنگسار و اعدام و در عین حال ما خواهان محاکمه و مجازات عاملین سنگسار انسانها، این جنایات هولناک و غیر قابل تصور در هر نقطه ای از جهان هستیم. دستور دهندگان و صادر کنندگان احکام سنگسار باید بجرم جنایت علیه بشریت محاکمه و مجازات شوند. و بطریق اولی مقامات جمهوری اسلامی ایران بدلیل سنگسار تعداد زیادی از انسانها در طول بیست و چهار سال گذشته باید محاکمه و مجازات شوند.

هفتگی: جمیله کلبور و برخی عناصر دوزخدادی رژیم درباره توقف سنگسار نکاتی مطرح کرده اند. مضمون حرفهایشان چه بوده و نظر شما در مورد آنها چیست؟

مینا احدی: دو خردادپها مجبور شده اند بگویند که اوضاع در مورد حقوق زنان وخیم است و باید به عقب نشینی تن داد. از یکطرف وجود یک جنبش اجتماعی وسیع زنان در ایران برای نقد قوانین و سیاستهای ضد زن جمهوری اسلامی و از سوی دیگر مجموعه اعتراضات جهانی علیه رژیم تروریست اسلامی و بویژه نفرت و انزجار از احکام وحشیانه سنگسار آنها را در منگنه قرار داده است. بویژه در مورد سنگسار که به یک محور اعتراض اتحادیه اروپا و یک نقطه کلیدی در اعمال فشار اتحادیه اروپا به دولت ایران در آمده است، عقب نشینی را ناگزیر میدانند. البته استدلال آنها اینست که برای بهبود وجهه بین المللی جمهوری اسلامی و ادامه حیات آن باید به تغییرات تن داد، نه اینکه سنگسار وحشیانه، غیر انسانی و قرون وسطایی است. مهاجرانی وزیر فرهنگ و ارشاد خاتمی دو سال قبل گفته بود که بهتر است مجازات سنگسار در خفا انجام گیرد تا افکار عمومی بین المللی را علیه جمهوری اسلامی خراب نکند. اکنون محمدرضا خاتمی، جمیله کلبور و سایر مقامات حکومت اسلامی تلاش میکنند تا جمهوری اسلامی را متقاعد کنند که از اعدام بجای سنگسار استفاده شود. از نظر آنها عقب نشینی باید چنان باشد که به پایه های رژیم لطمه ای نزند.

سنگسار یک ستون اسلام سیاسی و حکومت اسلامی است. عقب نشینی از این سنگر اگر حساب شده نباشد، باعث لرزش جدی این ساختمان میشود و دو خرداد میکوشد که این لرزش تا نهایت درجه تخفیف یابد. در این میان تلاش رسانه های دست راستی امثال



در حاشیه دادگاه ...

و تا نیندازد و تصویری از انسجام درونی اش بدهد، چهارشنبه ۱۱ دیماه یک بیانیه رسمی در مورد دادگاه عبدی منتشر کرد که غیر مستقیم اتهام "جاسوسی" را در پرونده نظر سنجی رد میکند و از "خروج از حاکمیت" حرفی نمیزند و در عوض فرمولبندی "خارج کردن سرمایه اصلاح طلبان و رای و مشروعیت مردمی از ساختار موجود" در شرایط "عدم تمکین اقتدارگرایان به خواست عمومی" را اشاره میکند.

اما سخنان عبدی چرا برخی از دو خردادپها را آشفته کرده و چرا بنفع جبهه مشارکت نبود و آیا بطور واقعی تناقضی با مواضع جبهه مشارکت دارد؟ عبدی در دادگاه گفت که "با فرزاندم ساختار شکن مخالف است" و "در شرایط امروز" خروج از حاکمیت را به نفع نظام نمیداند. مستقل از اینکه عبدی بر اثر فشار و شکنجه وادار به گفتن اینها شده باشد، یا از سر مصلحت و خیرخواهی جبهه مشارکت یا بهر دلیل دیگری، واقعیت را بیان کرده است. در واقع آن دسته از سران جبهه مشارکت که گفته اند موضع عبدی تغییر نکرده و یا سخنان او با موضع جبهه مشارکت تناقضی ندارد، درست میگویند. نه عبدی، نه جبهه مشارکت و نه هیچ دو خردادی دیگری نه تنها قصد شکستن ساختار جمهوری اسلامی را نداشته اند بلکه فلسفه وجودی و شکلگیری جریان دوم خرداد برای "حفظ نظام" و نجات جمهوری اسلامی بوده است. اختلافشان هم با جناح راست در اینست که فکر میکنند آنها فقط با روشهای سرکوب قدیمی نمیتوانند به تنهایی از پس جنبش مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی برآیند و دارند سر همه و کل نظام را بر باد میدهند. بنابراین مساله بر سر اینست که چرا مواضع عبدی قبل و بعد از زندان با هم تفاوت دارد.

اولا طرح خروج از حاکمیت جز یک حربه تبلیغی علیه جناح راست و یک اهرم فشار برای چانه زنی با رقیب خاصیت دیگری نداشت و ندارد. برای همه مدافعان این تتر در درون دو خردادپها این روشن است، زیرا خارج شدن آنها از حاکمیت بسادگی بمعنی بستن پرونده شان در قدرت است. تمام نقطه قدرت و امکانات آنها در اینست که یک "بال نظام" هستند و جزئی از حکومت. بنابراین خروج آنها از حاکمیت، حتی اگر جناح راست کاری با آنها نداشته باشد، بمعنی کوتاه شدن دستشان از امکانات در قدرت بودن است، کوند ترینشان این را میفهمد و بنابراین واضح است که اهمیت این طرح نه بخاطر عملی کردنش و نتایج آن بلکه نقش ابزاری آن بعنوان تبلیغ و تهدید است. ثانیاً به زندان افتادن عبدی به اتهام جاسوسی و فروش اطلاعات به بیگانگان و اسیر بودنش در دست دوستان شکنجه گرش دیگر امکان دفاع سیاسی از نظرات قبلی اش را از وی سلب میکند. چون در جناح راست خروج از حاکمیت و فرزاندم را مستقیماً به طرح بیگانگان ربط میدهد و ربط دادند. بنابراین عبدی با اضافه کردن کلمه "ساختار شکن" طرح فرزاندمش را کنار میگذازد و با تاکید بر "شرایط امروز" طرح خروج از حاکمیت را. اما اشاره به نکته ای هم درباره "شرایط امروز" مهم است. این "شرایط امروز" شرایطی است که در ۱۶ آذر و بعد از آن با حرکت دانشجویان در سراسر ایران اتفاق افتاد. شرایطی که حتی جناح دو خردادی دانشجویان مجبور شد

شعارهای چپ را تکرار کند، شرایطی که مردم در خیابانها شعار مرگ بر خامنه ای را سر دادند و شرایطی که شعار آزادی برابری و آزادی زندانبان سیاسی به شعار اجتماعات دانشجویان تبدیل شده بود و نیروی سرکوبگر "قانونی" و دولتی همراه با حزب الله و لباس شخصی مشترکاً به ضرب و شتم مردم میپرداختند. اینها آن "شرایط امروز" است که قبل از دادگاه عباس عبدی اتفاق افتاده بود. و روشن است در چنین شرایطی خروج از حاکمیت "به نفع نظام نیست". بنابراین با توجه به نقش واقعی این دو شعار روشن است که گفته های عبدی در زندان تناقضی با نظرات وی قبل از دستگیری ندارد. آنچه باعث شده که وی آنها را در زندان پس بگیرد شرایطی است که در آن گیر کرده است و گزینه زمانی هم که دستگیر نشده بود نه هدف ساختار شکنی داشت و نه بطور واقعی خروج از حاکمیت. در نتیجه اظهارات عبدی در زندان با مواضع جبهه مشارکت هم تناقض ایجاد نمیکند. جناح راست علیه عبدی و جبهه مشارکت حمله ای را سازمان داد و تا این حد فعلاً موفق شدند.

اما علیرغم اینها مشارکتی ها و سایر دو خردادپها، از این وضعیت پیش آمده ناراحت هستند چون یک ابزار تبلیغی و یک حربه علیه جناح راست را از دست دادند. اگر در مورد حکم آغاز جری جناح راست فعلاً و عملاً عقب نشسته، در ماجرای عبدی به دو خردادپها ضربه زد. مشارکتی ها سعی میکنند خود را همسو با گفته های عبدی نشان دهند و فعلاً با کوتاه آمدن در مورد شعارهای مذکور به جناح راست امتیاز بدهند و خود را حفظ کنند، از اینرو دوباره بازار بحث "وقاف" گرم شده است. فقط فلتانیان اکثریت از عکس العمل های سران مشارکت در همسوئی با عباس عبدی خیلی عصبانی اند چون احساس میکنند در شرایطی که جنبش سرنگونی دارد پیشروی میکند، مواضع جبهه مشارکت به ضرر اصلاح جمهوری اسلامی است.

اما در میان برخورد های عناصر جناح راست به اظهارات عبدی، یک نوشته امیر محبیان از روزنامه رسالت جالب است. خطاب به دو خردادپها و رو به مردم ایران، سخنان عبدی در دادگاه را پایان رادیکالیسم در ایران توصیف میکند! خود را به تفهیمی میزند که امثال عبدی رادیکالیسم را نمایندگی کرده اند نه مردمی که دو جناح رژیم را بر سر چگونگی حفظ جمهوری اسلامی بجان هم انداخته اند. این عنصر "عاقل" جناح راست البته شعورش قد میدهد که بیربط میگوید اما تلاشش را و تبلیغش را میکند. حتماً خوب میدانند که رژیمش در چه شرایطی و تحت فشار رادیکالیسم چه نیروی مجبور میشود حکم سنگسار را متوقف کند. لابد میدانند که کدام نیرو و رادیکالیسم در خیابانها علیه رهبرش شعار میدهد و به حکومت مذهبی تف میکند. حتماً مطلع است که تظاهرات کارگران در اهواز و حمایت وسیع مردم از آنان و دهها مورد مشابه با چه مکافاتی توسط نیروی سرکوبگرشان مهار شده است. رادیکالیسم در ایران با شتاب زیادی در حال رشد است. کارگران، زنان، جوانان و مردم آزادیخواه رادیکالیسمی را نمایندگی میکنند که قصد جان رژیم اسلامی را دارد، بجای این حکومت نکبت و انسان ستیز جامعه انسانهای آزاد و برابر نیاز دارند. حاکمان ایران صدای پای این رادیکالیسم و پیام آنرا خیلی وقت است شنیده اند، برای همین است که خواب راحت ندارند. ■

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

"در سایت اینترنتی 'امروز'، البته مقدمه مذکور از حرفهای خانم ساندرآ که اشاره به کمیته بین المللی علیه سنگسار دارد، حذف شده است! بهر حال کمیته بین المللی علیه سنگسار خواست محاکمه و مجازات سران رژیم اسلامی را در مراجع بین المللی و در سطح افکار عمومی جهانی مطرح کرده و برای اجرای آن تلاش میکند.

شده است. خانم یوتا ساندرآ در مقدمه صحبتش در این کنفرانس گفته بود که 'ایده اولیه این دادگاه بین المللی از طرف مسئول کمیته علیه سنگسار بوده و ما در پاسخ به درخواست وی گروه اطریش این کمیته، برای سازماندهی و عملی کردن این دادگاه بین المللی، زیر نظر هماهنگ کننده کمیته (مینا احدی) این فعالیتهای را پیش میبریم.